



|||

۸۷، ۱۱، ۸۳۴۴  
۸۸-۱۲۴



دانشکده حقوق

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی

موضوع:

جایگاه دادرسی ترمیمی

در حقوق کیفری ایران

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر رجب گلدوست جویباری

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر باقر شاملو

دانشجو:

روح الله زندی

سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷

۱۳۸۸ ۸۸/۲/۱۱

۱۱۰۰۱۱

به نام خدا

در نگارش این پایان نامه مدیون بزرگواری سرورانی می باشم که بدون شک بدون الطاف و راهنمایی های فاضلانه این بزرگواران، جمع آوری این مطالب ممکن نمی گردید. ضمن تقدیم این پایان نامه به محضر این بزرگواران بر خود لازم می دانم تقدیر و تشکر از:

**استاد راهنمای عزیز و بزرگوارم جناب آقای دکتر گلدوست جویباری**  
به خاطر راهنمایی های ارزنده ایشان در انتخاب موضوع، گردآوری منابع و مطالب؛

**استاد مشاور عزیز و بزرگوارم جناب آقای دکتر شاملو** که بدون اغراق در تمامی مراحل این پایان نامه از هیچ کمکی فروگذار نکردند؛  
**استاد محترم داور، جناب آقای دکتر نجفی ابرندآبادی** به خاطر تلاشها و محبت های ایشان در طول دوره کارشناسی ارشد.

با تشکر و احترام فراوان

روح الله زندی

مستان ۱۳۸۷

## فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	چکیده
۳	مقدمه
۳	الف - طرح موضوع
۸	ب - پیشینه موضوع در عهد باستان
۱۳	ج - ضرورت و اهمیت تحقیق
۱۴	د - سئوالات تحقیق
۱۵	هـ - فرضیات تحقیق
۱۶	و - نگاهی به پیشینه تحقیق
۱۷	ز - روش تحقیق
۱۷	ح - ساماندهی تحقیق

### **بخش اول: بررسی مباحث نظری دادرسی ترمیمی**

۲۲	فصل اول: تبیین مفاهیم
۲۲	گفتار اول: عدالت ترمیمی
۲۲	الف - مفهوم عدالت ترمیمی
۳۵	ب - مبنای عدالت ترمیمی
۳۷	ج - رویکردهای ناظر بر عدالت ترمیمی
۳۷	۱- مدل نابخواه
۳۷	۲- مدل پیشینه خواه

گفتار دوم - دادرسی ترمیمی ..... ۳۸

الف - مفهوم دادرسی ترمیمی ..... ۳۸

ب - آیین دادرسی ترمیمی ..... ۴۲

گفتار سوم - دادرسی کیفری در تعامل با دادرسی ترمیمی ..... ۴۷

الف - مفهوم آیین دادرسی کیفری ..... ۴۷

ب - نقش بزه‌دیده در فرآیند دادرسی کیفری ..... ۵۰

ج - مقایسه مفاهیم دادرسی کیفری و دادرسی ترمیمی ..... ۵۲

فصل دوم - پیشینه دادرسی ترمیمی ..... ۵۴

گفتار اول - پیشینه دادرسی ترمیمی در پرتو نظام‌های دادرسی ..... ۵۵

الف - سیستم دادرسی اتهامی ..... ۵۶

ب - سیستم دادرسی تفتیشی ..... ۵۷

ج - سیستم دادرسی مختلط ..... ۵۷

د - سیستم دادرسی اسلامی ..... ۵۸

گفتار دوم - پیشینه دادرسی ترمیمی در پرتو تاریخ تحولات حقوق کیفری ..... ۵۹

الف - مکتب عدالت مطلق ..... ۶۰

ب - مکتب کلاسیک ..... ۶۱

ج - مکتب نئوکلاسیک ..... ۶۲

د - مکتب تحقیقی یا اثباتی ..... ۶۳

و - مکتب دفاع اجتماعی ..... ۶۵

ه - مکتب دفاع اجتماعی نوین ..... ۶۶

فصل سوم - اصول، اهداف و محدودیتهای نظام دادرسی ترمیمی ..... ۶۹

- گفتار اول - اصول حاکم بر نظام دادرسی ترمیمی ..... ۶۹
- الف - اصل اختیاری بودن ورود به سازوکارهای ترمیمی و خروج از آن ۷۰
- ب - اصل محرمانه بودن فرآیندهای ترمیمی ..... ۷۲
- ج - اصل بیطرفی ..... ۷۳
- د - اصل اعتبار توافقات ..... ۷۵
- ه - اصل تضمین موازین حقوق بشری و رعایت اصول دادرسی منصفانه ۷۷
- گفتار دوم - اهداف نظام دادرسی ترمیمی ..... ۸۰
- الف - اهداف دادرسی ترمیمی در قبال بزهدیده ..... ۸۰
- ۱- ارتقاء جایگاه بزهدیده در فرآیند رسیدگی ..... ۸۰
- ۲- ایجاد بستری مناسب برای ترمیم بزهدیدگان ..... ۸۱
- ب - اهداف دادرسی ترمیمی در قبال بزهدکار ..... ۸۲
- ۱- تقویت حس مسئولیت پذیری بزهدکار ..... ۸۲
- ۲- بازپذیری بزهدکار ..... ۸۲
- ۳- تحدید توسل به ضمانت اجرای کیفری ..... ۸۴
- ج - اهداف دادرسی ترمیمی در ارتباط با جامعه ..... ۸۵
- ۱- ترمیم گسستهای اجتماعی ناشی از جرم ..... ۸۵
- ۲- تمرکززدایی در مدیریت دستگاه عدالت کیفری ..... ۸۶
- د - اهداف دادرسی ترمیمی در ارتباط با نظام عدالت کیفری ..... ۸۷
- ۱- تراکم زدایی از پرونده‌های کیفری ..... ۸۷
- ۲- کاهش هزینه‌های دادرسی ..... ۸۸
- ۳- افزایش اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری ..... ۸۹
- ۴- انسانی‌تر کردن دادرسی کیفری ..... ۸۹
- گفتار سوم - محدودیتهای نظام دادرسی ترمیمی ..... ۹۰
- ۱- رویارویی با معایب گسترده شدن شبکه نظام عدالت کیفری ..... ۹۱
- ۲- خدشه به اصول دادرسی منصفانه ..... ۹۲

۳ - خدشه به اصل حاکمیت دولتها..... ۹۳

۴ - پارادوکس اصل اختیاری بودن..... ۹۴

## بخش دوم: بررسی رویکردهای کاربردی - عملی

### نظام دادرسی ترمیمی

فصل اول - بررسی رویکرد عملی - کاربردی دادرسی ترمیمی در نظام عرفی

و اجتماعی ایران..... ۹۸

گفتار اول - آیین فصل..... ۹۹

الف - معنای لغوی و اصطلاحی فصل..... ۱۰۰

ب - شروع فصل..... ۱۰۱

ج - انجام و فرجام فصل..... ۱۰۳

گفتار دوم - آیین خون بس در بین عشایر بختیاری..... ۱۰۵

الف - آغاز خون بس..... ۱۰۵

ب - فرجام خون بس..... ۱۰۷

گفتار دوم - آیین پتر در میان قبایل بلوچ..... ۱۰۸

الف - آغاز پتر..... ۱۰۹

ب - پایان و فرجام پتر..... ۱۱۰

فصل دوم - بررسی نفوذ دادرسی ترمیمی در نظام کیفری ایران قبل از

انقلاب..... ۱۱۲

گفتار اول - ظهور دادرسی ترمیمی در قوانین و مقررات شکلی..... ۱۱۳

- الف - رویکرد دادرسی ترمیمی به میانجیگری کیفری در قانون اصول  
 محاکمات جزایی مصوب سال ۱۲۹۰..... ۱۱۳
- ب - رویکرد دادرسی ترمیمی به مشارکت افراد بومی در امر میانجیگری  
 درون سیستمی..... ۱۱۴
- گفتار دوم - نمود و ظهور دادرسی ترمیمی در نهادهای دولتی..... ۱۱۵
- الف - رویکرد دادرسی ترمیمی به میانجیگری در دادگاه‌های سیار..... ۱۱۵
- ب - رویکرد دادرسی ترمیمی به میانجیگری در واحدهای صلح و سازش..... ۱۱۶
- ج - رویکرد دادرسی ترمیمی به عدالت مشارکتی عشایری..... ۱۱۸
- د - رویکرد دادرسی ترمیمی به وکالت ترافیعی..... ۱۱۹
- گفتار سوم - نفوذ و ظهور دادرسی ترمیمی در نهادهای مردمی..... ۱۲۰
- الف - جهت‌گیری نهاد خانه انصاف به نظام دادرسی ترمیمی..... ۱۲۰
- ب - جهت‌گیری نهاد شورای داورى به دادرسی ترمیمی..... ۱۲۵
- ج - جهت‌گیری نهاد هیأت‌های حل اختلاف محلی به دادرسی ترمیمی..... ۱۳۰
- گفتار چهارم - رویکرد دادرسی ترمیمی به نهاد تعلیق تعقیب..... ۱۳۲

## فصل سوم - بررسی نفوذ و ظهور دادرسی ترمیمی در قوانین و مقررات

- کیفری ایران بعد از انقلاب..... ۱۳۸
- گفتار اول - بررسی نفوذ و ظهور دادرسی ترمیمی در نهادهای دولتی..... ۱۳۸
- الف - رویکرد دادرسی ترمیمی به میانجیگری در دادگاه‌های سیار..... ۱۳۸
- ب - رویکرد دادرسی ترمیمی به میانجیگری قضایی..... ۱۳۹
- ج - رویکرد دادرسی ترمیمی به میانجیگری در مراکز پلیس..... ۱۴۱
- د - رویکرد دادرسی ترمیمی به واحدهای صلح و سازش در دادگستری‌ها..... ۱۴۳
- گفتار دوم - بررسی نفوذ و ظهور دادرسی ترمیمی در نهادهای مردمی..... ۱۴۴
- الف - جهت‌گیری حکمیت و نهاد شوراهای اسلامی به دادرسی ترمیمی..... ۱۴۴



- ب - جهت‌گیری حکمیت و نهاد قاضی تحکیم به دادرسی ترمیمی ..... ۱۴۵
- ج - جهت‌گیری نهاد شورای حل اختلاف به دادرسی ترمیمی ..... ۱۴۷
- ۱ - جایگاه شورای حل اختلاف ..... ۱۴۸
- ۲ - ترمیمی یا غیرترمیمی بودن شورای حل اختلاف ..... ۱۵۰
- گفتار سوم - بررسی ظرفیتهای موجود در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری در استفاده از سازوکارهای ترمیمی ..... ۱۵۲
- الف - ظرفیتهای موجود در قانون مجازات اسلامی ..... ۱۵۲
- ب - ظرفیتهای قانونی موجود در قانون آیین دادرسی کیفری ..... ۱۵۶
- گفتار چهارم - بررسی افق و دورنمای دادرسی ترمیمی در لوایح پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی ..... ۱۶۰
- الف - لایحه رسیدگی به جرایم اطفال ..... ۱۶۱
- ب - لایحه قانون آیین دادرسی کیفری ..... ۱۶۳
- ج - لایحه مجازاتهای اجتماعی جایگزین حبس ..... ۱۶۵
- نتیجه‌گیری ..... ۱۶۷
- فهرست منابع و مأخذ ..... ۱۷۱

## چکیده

با عنایت به تجارب حاصله در دو قرن گذشته در ناکارآمدی مبارزه با بزهکاری از طریق اعمال نظام عدالت کیفری مبتنی بر سزادهی و بازپروری، از سال ۱۹۸۰ میلادی رویکرد جدیدی با فلسفه و دیدگاه خاص خود، تحت عنوان عدالت ترمیمی پا به عرصه وجود گذاشت. به لحاظ بدیع بودن موضوع عدالت ترمیمی از یک سو و به چالش کشیدن عدالت کیفری سنتی از سوی دیگر، مورد توجه صاحبان نظران علوم جنایی، قانونگذاران کشورهای مختلف و اسناد منطقه-ای و بین‌المللی برای مهار پدیده بزهکاری قرار گرفت عدالت ترمیمی رویکردی نوین در پاسخ به جرم است و به دنبال مشارکت دهی داوطلبانه و فعال کلیه سهامداران در فرآیند تصمیم‌گیری می‌باشد. به مجموعه مفاهیم شکلی مطروحه در نظام عدالت ترمیمی با اقتباس پسوند ترمیمی، می‌توان دادرسی ترمیمی اطلاق نمود. دادرسی ترمیمی از یک سو در صدد ارتقاء رویکرد بزه‌دیده محوری است به طوری که ترمیم خسارات وارده به بزه‌دیده را در اولویت قرار داده و او را از حاشیه نشینی در نظام عدالت کیفری به سمت ایفاء نقشی فعال در پروسه فرآیندهای ترمیمی سوق می‌دهد و از سوی دیگر با ایجاد حس

مسئولیت‌پذیری در بزهدکار، وی را در راه رسیدن به توافق ترمیمی با بزه دیده و ایفاء تعهدات ترمیمی خود تشویق می‌نماید. با عنایت به این که نظام کیفی ایران نظامی فقهی - عرفی است که در آن احترام به افراد و رعایت‌شان و کرامات انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و از سوئی پایه و اساس نظام دادرسی ترمیمی را نیز رعایت شأن و کرامات شرکت کنندگان در فرآیندهای ترمیمی تشکیل می‌دهد و با توجه به ظرفیت‌های فراوانی که در استفاده از ساز و کارهای ترمیمی در نظام کیفی ایران وجود دارد. می‌توان به امکان تکمیل هر یک از این دو نظام معتقد بوده در این پایان نامه به تبیین رویکرد ترمیمی در راستای آشکار نمودن نفوذ و ظهور این رویکرد در نظام کیفی ایران خواهیم پرداخت.

**واژگان کلیدی:** عدالت ترمیمی، دادرسی ترمیمی، دادرسی کیفی، بزه‌دیده،

بزهدکار، جامعه محلی، فرآیند و برآیندهای ترمیمی

## مقدمه

### الف - طرح موضوع

جرم به عنوان یک واقعیت اجتماعی یا انسانی یا حقوقی یا واجد هر سه جنبه از دیرباز در جوامع مختلف انسانی وجود داشته است. اما واکنش در مقابل جرم در ادوار مختلف تاریخ متفاوت و حتی گاهاً متضاد بوده است زیرا در هر دوره‌ای این پدیده از زاویه‌ای خاص مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت که این تفاوت در زاویه دید باعث ایجاد رویکردهای متفاوتی نسبت به سهامداران این پدیده و نهایتاً کل جامعه شده است. رویکرد اول رویکردی سزا دهنده بود و صرفاً معیار واکنش جامعه عمل مجرمانه بود و با بینشی جرم-گرایانه صرفاً در صدد سرکوب و سزادهی بزهکار بوده و هیچ توجهی به شخص بزهکار نمی‌شد به عبارتی عدالت کیفری جرم مدار بوده و معیار مجازات شدت عمل مجرمانه ارتكابی بود رویکرد دوم که می‌توان از آن به دوران علم‌گرایی در علوم انسانی نام برد این اندیشه مطرح شد که با توجه به این که مرتکب انسان می‌باشد بنابراین واکنش جامعه باید تابع شخصیت مرتکب، انگیزه و اوضاع و احوال ناظر به او باشد و هر عدالت کیفری نگرشی

بالینی و کلینیکی حاکم شد به نحوی که با بینش انسان‌گرایانه اجرای عدالت را در واکنش علیه مجرم جستجو می‌کردند و غایت این رویکرد بازپروری شخص مجرم بود به عقیده طرفداران این رویکرد که به عدالت بازپرورانه شهرت یافت. مجرمین افراد شرافتمندی هستند که بازیچه شرایط نامناسب و طبع آتشین خود شده‌اند فلذا تحمیل مجازات نسبت به آنها منطقی نبوده و بایستی از عوامل و ابزار دیگری در واکنش نسبت به پدیده مجرمانه استفاده کرد که این ابزار را اقدامات تأمینی و تربیتی نام نهادند تا با اعمال آنها از یک طرف مانع وقوع جرم شده و از طرف دیگر زمینه را برای بازگشت مجدد مجرمین به پهنه اجتماع فراهم سازند.<sup>۱</sup> در کمتر از یک سده به تجربه آشکار شد که عدالت بازپرورانه قادر نیست محیطی امن برای شهروندان فراهم آورد.<sup>۲</sup>

در مجموع به دو رویکرد فوق، عدالت کیفری کلاسیک اطلاق می‌شود مهم-ترین هدف نظام عدالت کیفری کلاسیک باز دارندگی، بازپروری و اصلاح مجرمین بود عملاً در این کار موفق نبوده و نتوانست در کاهش آمار جرایم گام مؤثری بردارد. در عدالت کیفری کلاسیک جرم به عنوان یک رفتار غیراخلاقی و به عنوان کنشی علیه دولت تلقی می‌شود که نظم عمومی را مختل نمود و جامعه را متأثر می‌نماید. با این دیدگاه نسبت به جرم، واضح است که جایی برای مداخله بزه دیده در پیامدهای جرم باقی نمی‌ماند و بزه‌دیده به حاشیه رانده می‌شود و در این نوع از عدالت بزه هیچ تعهدی را بر برابر بزه‌دیده ایجاد نمی‌کند بلکه بزه‌کار را به علت نقض ارزش‌های جرم انگاری شده و متعاقب آن

---

<sup>۱</sup> - صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات دانشگاه ملی، چاپ اول سال ۱۳۵۱-۵۲، صص ۱۲۱ - ۱۲۰.

<sup>۲</sup> - رایت مارتین، مارشال تونی و دیگران، عدالت ترمیمی، ترجمه امیر سماواتی پیروز، چاپ اول، انتشارات خلیلیان، بهار سال ۱۳۸۴، ص ۴۷.

نظم عمومی مدیون جامعه می‌گرداند که با اجرای مجازات، دین بزهکار ادا شده و بزه‌دیده فاقد جایگاه مناسبی در این فرآیند می‌باشد، در این نظام که بر اقتدارگرایی قدرت عمومی تأکید دارد عدالت جزایی از رأس هرم جامعه به سوی بدنه جامعه جاری می‌شود به طوری که جرم‌انگاری و دادرسی کیفری با حضور برجسته و فعال قدرت عمومی به عنوان مهمترین کنشگر عرصه حقوق جزا همراه است. از دهه‌های آخر قرن بیستم نظریه عدالت کیفری سرکوب‌گر<sup>۱</sup> به دلیل ویژگی‌ها و عملکرد خاص خود مورد انتقاد اندیشمندان حقوق جزا و جرم‌شناسان قرار گرفت، اندیشمندان منتقد معتقدند که عدالت کیفری کلاسیک کلیه سهامداران جرم را به نفع اقتدار عمومی از طریق وضع قوانین کیفری فراموش نموده و یا حداقل، نقشی که در خور شأن آنها باشد را به آنان نداده است و عدالت کیفری با اجرای مجازات به مرحله اجرایی در می‌آید و یقیناً این نوع از اعمال عدالت به نفع هیچکدام از سهامداران پدیده مجرمانه نمی‌باشد. بزهکار به علت ارتکاب عمل مجرمانه و نقض قانون جزا با مجازاتی روبرو می‌شود تا پاسخی باشد در برابر تخطی وی از قانون و نقض نظم عمومی و بزه دیده که به واسطه ارتکاب عمل مجرمانه متضرر واقعی می‌باشد و متحمل درد و مرارت شده است برای اثبات تعرض به قانون جزا کاربردی فراتر از یک شاهد و دلیل اثباتی نداشته و حتی با حضور در چرخه عدالت کیفری ممکن است متحمل خسارات و رنج‌های ثانوی نیز بشود و با حضور در این فرآیند از طرف بزهکار و وکلای ایشان متهم به دروغ‌گویی و عدم صراحت در بیان رنج‌ها و دردهای ناشی از تحمل عمل مجرمانه شده و بدین ترتیب بازنده فرآیند عدالت کیفری می‌گردد. در نظام عدالت کیفری کلاسیک دولت با وضع قاعده و اصل قانونی بودن تعقیب و دادن خصیصه عمومی به جرائم و هم چنین

---

<sup>۱</sup> - Repressive Criminal Justice.

گسترش جرم‌انگاری در جرائم بدون بزه‌دیده جایگاه بزه دیده را از آن خود کرده و فلسفه این اقدام را با دیدگاه کلیشه‌ای قرارداد اجتماعی توجیه می‌نمایند در حالی که این امر پیش از آن که تفویض ذره‌های اقتدار عمومی تلقی گردد یک تعرض و اشغال نقش‌ها و حقوق و وظایف افراد جامعه را در سطحی گسترده شامل می‌شود و در نتیجه مقامات عمومی و کلایی هستند که موکلین خود را عزل و خود جانشین آنها شده‌اند. در این میان اندیشه نوگرایی عدالت کیفری اصلاح و تربیت نیز مورد انتقاد قرار دارد چون در این دیدگاه دولت از همه ابزار خود برای اصلاح بزهکار استفاده، لکن بزه‌دیده را فراموش کرده و از سوی دیگر در کاهش تعداد جرایم و جلوگیری از تکرار از طریق اصلاح مجرمین موفق نبوده است، با ورود این انتقادات از طرف اندیشمندان حقوق جزا و جرم‌شناسی اکنون زمینه‌ای فراهم شده که رویکرد سوم به منصفه ظهور برسد که این رویکرد دیدگاه جامعی نسبت به منافع سهامداران عمل مجرمانه دارد تا هر کدام از این سهامداران در فرآیند تصمیم‌گیری نقش مناسبی را ایفاء نمایند، و دیدگاهی که تعارض و اختلاف را دارائی سهامداران تلقی می‌نماید که امروزه این دارائی از طرف دولت به مصادره در آمده است و اکنون زمان عودت آن به صاحبان واقعی آن یعنی همان سهامداران فرا رسیده است. این دیدگاه در پی ایجاد تعادلی منطقی بین منافع سهامداران با دستگاه عدالت کیفری می‌باشد؛ وصف این رویکرد عدالت ترمیمی است، رویکردی که در پی بسیج امکانات و استعدادهای جامعه بزه‌دیده، بزهکار و دستگاه عدالت کیفری برای ترمیم شکاف‌ها و گسست‌های روابط انسانی و ترمیم و درمان لطمات و صدمات متحمل از سوی بزه‌دیده، بزهکار و وابستگان آنها و جامعه بوده است و در کنار ابزار مرسوم عدالت کیفری مورد انتقاد موجود از روش مسالمت-آمیز برای مدیریت بزهکاری بهره می‌برد و خواستار تحولی مثبت در موقعیت،

نقش و عملکرد فعلی و آینده بزه دیده، بزه‌کار و جامعه بوده است و منافع این سه گروه را به تعادل و توازن رسانیده است و ابزارها و وسایل کارآمدی را برای رسیدن به اهداف انسانی‌تر و مردمی‌تر به کار می‌گیرد.<sup>۱</sup>

در این رویکرد تأکید بر حل و فصل منازعه بین بزه‌کار و بزه‌دیده می‌باشد و با خطاب قراردادن بزه‌کار از یک سو در پی آشتی دادن ایشان با بزه‌دیده، خانواده بزه‌دیده و جامعه می‌باشد و از مجازات به عنوان آخرین راه‌حل استفاده می‌نماید و از سوی دیگر در پی ارتقاء جایگاه بزه‌دیده به عنوان عنصر فراموش شده دستگاه عدالت کیفری می‌باشد. این رویکرد که در پی مشارکت دهی فعال و داوطلبانه کلیه سهامداران عمل مجرمانه در فرآیند تصمیم‌گیری است از یک سو در پی ارتقاء بخشیدن به رویکرد بزه‌دیده محوری است به طوری که ترمیم خسارات وارده به بزه‌دیده را در اولویت قرارداده و از حاشیه نشینی بزه‌دیده در سیستم عدالت کیفری به سوی ایفاء نقشی فعال در این رویکرد سوق داده شود و از سوی دیگر در این رویکرد با احساس شرمساری و مسئولیت‌پذیری بزه‌کار، بزه‌کار را در برابر جرم ارتكابی وی برای رسیدن به تفاهمی با بزه‌دیده و ایفاء تعهد ترمیمی خود ترغیب نماید این رویکرد جامعه محلی را نیز که با وقوع عمل مجرمانه نظم آن نقض شده را در فرآیند تصمیم‌گیری شریک می‌داند. اگر چه از ظهور و احیای این دیدگاه تنها حدود ۲۵ سال می‌گذرد لکن در حال حاضر حدود بیش از صد کشور جهان به نحوی از انحاء به اجرای برنامه‌های ترمیمی در حل و فصل اختلافات کیفری روی آورده‌اند و به عنوان رقیبی برای عدالت کیفری سنتی در این کشورها مطرح شده است. در کشور ایران، با توجه به تنوع فرهنگی و تجربه طولانی حل و فصل اختلافات به

---

<sup>۱</sup> - عباسی، مصطفی، افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری، تهران، انتشارات

دانشور، چاپ اول، سال ۸۲ ص ۲۸.



شیوه‌های غیررسمی و بومی و نیز با درک عمیق آموزه‌های دینی به خصوص با توجه به ظرفیت‌ها گفتگو و مذاکره طرفین دعوی و به رسمیت شناختن توافق آنها در امور کیفری، امکان عفو و گذاشتن و جبران خسارت، تأکید بر اعلام ندامت و توجه به نتایج بزه ارتكابی و غیره می‌توان نمونه‌هایی از این مفاهیم و مورد تأکید عدالت ترمیمی را مورد بحث قرارداد و با اجرای این مفاهیم در ساختار ترمیمی زمینه اجرای آموزه‌های ترمیمی را تقویت نمود، در نظام کیفری ما به علت کاستن از تراکم قضایی و تراکم زدایی از پرونده‌های کیفری و ایجاد زمینه مشارکت سازنده نهادهای جامعه مدنی در عدالت کیفری و کاهش هزینه‌های رسیدگی به جرم، نارضایتی عمومی از طولانی بودن فرآیند رسیدگی، دسترسی آسان به مراجع حل اختلاف و عدم رعایت تشریفات دادرسی و در نتیجه رهایی بزه‌دیدگان از سرگردانی ناشی از پیچیدگی دستگاه قضایی، عدم پرداخت هزینه، مقابله با امر برچسب‌زنی و مشارکت فعال سهامداران در فرآیند تصمیم‌گیری و... شاهد این موضوع هستیم که مشارکت مردم و جامعه مدنی در عدالت کیفری بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. در این دیدگاه از روش غیر مخاصمه‌ای برای حل و فصل اختلافات استفاده می‌شود و هدف این رویکرد سبک کردن بار دستگاه قضایی و توزیع و تقسیم آن میان نظام‌های دیگر هم چون نهادهای مدنی و اداری است.

### **ب - پیشنهاد موضوع در عهد باستان**

یکی از ویژگی‌ها و اصول حاکم بر قوانین و مقررات باستانی اصل تکمیلی بود این قوانین بوده است. به موجب این اصل چنان چه مردم در جهت حل و فصل اختلافات‌شان موفق به پیدا کردن حکم و آیین آن در عرف و آداب و رسوم خود می‌شدند بی‌نیاز از رجوع به این قوانین بودند و چنانچه حکمی

برای حل و فصل اختلافاتشان در عرف و آداب و رسوم خود نمی‌یافتند ناگزیر به مراجعه به قانون می‌بودند.<sup>۱</sup> از لحاظ تاریخ حقوق کیفری می‌توان به قوانینی اشاره نمود که یادگار دوران باستان بوده، بیانگر نوع نگرش قانونگذاران آن دوره نسبت به موضوعات حقوقی به طور کلی و حقوق جزا به طور خاص بوده است مثلاً قوانین هیئتی‌ها که یکی از قوانین به جای مانده از دوران باستان است نشانه‌هایی از ترمیم و اصلاح آثار زیان‌بار عمل مجرمانه مشاهده می‌شود و در مجموعه قوانینی هیئتی‌ها قبل از این که ضمانت اجراها تأمین کننده منافع جامعه باشد منافع بزهدکار و بزهد دیده را تأمین می‌نمود مثلاً دیه به عنوان یکی از مهمترین ضمانت اجراها در این قانون بوده و این قوانین بیشتر بزهد دیده مدار بوده‌اند و به منافع بزهد دیده توجه خاصی داشته‌اند در حالی که سایر ضمانت اجراها مثل مجازات جرم‌مدار بوده و در جهت تأمین منافع جامعه می‌باشند لکن دیه با پرداخت خسارت به بزهد دیده بیشتر بزهد دیده‌مدار است و انگهی برخلاف مجازات‌ها که طرفین نمی‌توانستند بر سر میزان آن وارد گفتگو و مذاکره شوند در اخذ دیه طرفین در خصوص میزان و نحوه پرداخت آن توافق نموده و حتی از طرف بزهد دیده قابل عفو نیز می‌باشد به عنوان مثال در ماده ۷ مجموعه قوانین هیئتی‌ها چنین مقرر شده است اگر شخصی فرد آزادی را کور کند یا دندان‌های او را بشکند سابقاً یک مینا می‌پرداخت.<sup>۲</sup>

ولی امروزه باید ۲۰ شکل<sup>۳</sup> نقره پرداخته و املاکش را به عنوان وثیقه گرو بگذارد.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس تاریخ حقوق کیفری، منبع پیشین.

<sup>۲</sup> - Mina، یک واحد اندازه‌گیری، تقریباً ۵۰۰ گرم = ۶۰ شکل نقره.

<sup>۳</sup> - مقیاس وزن، تقریباً ۸/۳۳ گرم مساوی ۱۸۰ دانه جوهر دانه جو Barley Corn، مقیاس وزن، تقریباً ۶۶٪ گرم = یک صد و هشتادم شکل نقره.

<sup>۴</sup> - برای کسب اطلاعات بیشتر ر ک؛ رقیه بهزادی قوانینی بر سنگ نوشته هیئتی‌ها، ۱۳۷۸، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۲۶ صص ۲۸ - ۹ و نیز فرناز اکبری رومنی،

از دیگر قوانینی که می‌توان به نوعی ردپاهای ترمیمی را در آن مشاهده کرد قوانین اشنونا متعلق به دوران یکی از پادشاهان اشنونا به نام «دوشا» که متعلق به ۱۷۷۰ قبل از میلاد می‌باشد در ماده ۴۴ این مجموعه در خصوص جبران ضرر و زیان ناشی از جرم مقرر شده است: «اگر شخصی، شخص دیگر را در خیابان به زمین بزند و دست او را بشکند. ۳ شکل نقره تسلیم خواهد کرد».<sup>۱</sup>

مجموعه قوانین حمورابی نیز در ماده ۲۳ مقرر داشته است: «اگر سارق دستگیر نشد شخصی که اموال او به سرقت رفته، باید در مقابل خدا شرح اموال مسروقه خود را بدهد و شهر و حاکمی که در قلمرو ناحیه او سرقت انجام شده است باید عوض اموال مسروقه را به وی بدهد».<sup>۲</sup>

حل و فصل اختلافات توسط نهادهای سنتی و غیررسمی، توسط خود مردم و بدون توسل به مقامات حکومتی قدمتی به اندازه عمر بشر دارد نهادهای مردمی حل و فصل اختلافات و فصل خصومت از طریق سنتی و کدخدا منشی ابزاری جهت نظم دادن به جامعه انسانی و ایجاد نظم اجتماعی و

---

درآمدی بر قوانین هیتی‌ها، ۱۳۷۹، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۳۱، صص ۱۲۲-۸۷.

<sup>۱</sup> - برای کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص ر ک: مارتات. راس و دیگران، قوانین اشنونا، یادگار حقوقدانان باستانی ۱۳۸۰ ترجمه حسین بادامچی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۳۷، صص ۱۰۰-۸۲.

<sup>۲</sup> - میک نئوفیل، قانون نامه حمورابی، ترجمه کامیار عبدی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، چاپ اول، سال ۱۳۷۳، ص ۳۰ و نیز محمد آشوری، عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی، عدالت کیفری، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، سال ۱۳۷۶، صص ۸۷ تا ۱۲۱.

برقراری صلح و آرامش بود به عبارت دیگر قبل از تشکیل دولت و حکومت این نهادها پا به عرصه وجود گذاشتند.<sup>۱</sup>

یا مثلاً در دولت پارت جنایاتی که در محدوده خانوادگی رخ می‌داد مثل قتل زن توسط شوهر یا قتل دختر به دست پدر و... چون مربوط به حقوق عمومی نبود و صرفاً به حقوق خانواده خلل وارد می‌نمود و خود خانواده قراری در مورد مجازات این جنایات صادر می‌کرد این شیوه با اندکی تسامح به نوعی می‌تواند در محدوده برخوردهای غیرقضایی جای گیرد یعنی این که دولت مرجع حل اختلافات نشود و بسیاری از درگیری‌ها و اختلافات به طریق غیرقضایی، غیرجزایی و با بهره‌گیری از شیوه‌های مردمی و یا سیستم عدالت همسایگی و با روش سازش خاتمه یابد با کمی احتیاط می‌توان این شیوه را شیوه حل و فصل اختلافات در روزگاران ماد هم به حساب آورد.<sup>۲</sup>

در دوره ساسانیان حکمیت و ارجاع به داوری و میانجی یکی از شیوه‌های رسیدگی و حل و فصل اختلافات به شمار می‌رفت ولی این حکمیت را معمولاً اشراف و بزرگان انجام می‌دادند و اشراف متصدی این امر بودند.<sup>۳</sup>

در این دوره وقتی قرار بود فصل خصومت از طریق داوری انجام شود داورها از بین نجبا و افراد شریف انتخاب می‌شدند.<sup>۴</sup> برای این که محاکمات

---

<sup>۱</sup> - نجفی ابرند آبادی، علی حسین، منبع پیشین.

<sup>۲</sup> - نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تاریخ حقوق ایران در دوره باستان، هخامنشیان و پارت-ها، ضمیمه درس تاریخ حقوق جزا، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران، سال تحصیلی ۷۵ - ۷۴.

<sup>۳</sup> - ساکت، محمد حسن، نهاد دادرسی در اسلام، آستان قدس رضوی، بهمن ماه سال ۱۳۵۳، صص ۲۲ - ۲۳.

<sup>۴</sup> - احمدی، اشرف، قانون دادگستری در نظام شاهنشاهی ایران، وزارت فرهنگ هنر بی‌تا، ص ۱۰۷.